

# سُخْکُوئی وُجْدَانِ اِیْرَانِ

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

فراہم آورنده:

حسین مسرت



# سخنگوی وجدان ایرانی





# سخنکوی وجدان ایران

دکتر محمد علی اسلامی ندوشن

فراهم آورنده:

حسین مهسرت



نشر یزدا و گروه نشریات  
سازمان چاپ و نشر





به نام خداوند جان و خرد

# چشم‌فشان سابعدهم حدیث‌آورد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

رهبران



## فهرست نوشته‌ها

### دیباچه

- پیش درآمد ۱۳
- نگریستن به دکتر اسلامی از منظر ندوشن (علی غیائی ندوشن) ۱۵
- ادای دین به استادی فرزانه (دکتر سید محمود الهام‌بخش) ۱۹
- دمی پیش دانا (دکتر غلامرضا محمّدی (کویر)) ۲۲
- ادب را تو باشی تهمت، ندوشن (عبدالحق واله) ۲۵
- ندوشن کند تا ابد افتخار (عباس افضلی (نادم یزدی)) ۲۷

### بخش نخست: چکیده مقالات سخنرانان

- چهل سال و پنج اندر این شد مرا (دکتر سجّاد آیدنلو) ۳۱
- در چشمان خاطره‌ها... (دکتر یدالله جلالی پندری) ۳۳
- اندیشه در آثار اسلامی ندوشن (فرهنگ جهان‌بخش) ۳۵
- دکتر اسلامی ندوشن و ماجرای پایان‌ناپذیر حافظ (دکتر اصغر دادبه) ۳۹
- نگرش و سبک ویژه اسلامی ندوشن ... (دکتر محمّد دهقانی) ۴۲
- اسلامی ندوشن و شاهنامه فردوسی (دکتر منصور رستگار فسایی) ۴۳
- دکتر اسلامی ندوشن: سخنگوی چهار روح ایرانی (پیام شمس‌الدینی) ۴۵



- ۴۷ هویت و ملیت ایرانی در نگاه دکتر اسلامی ندوشن (کامیار عابدی)
- ۴۸ یکی از فرزندان سپاسمند فردوسی (دکتر میر جلال‌الدین کزازی)
- ۵۰ کتابشناسی دکتر اسلامی ندوشن (حسین مسرت)
- ۵۱ دکتر اسلامی ندوشن: حافظ‌شناسی بزرگ (دکتر بهرام مقدادی)
- ۵۲ ادبیات محض، ادبیات کاربردی (دکتر مهدی نوریان)
- ۵۴ دردمند شاهنامه و فردوسی (دکتر محمدجعفر یاحقی)

## بخش دوم: زندگی و آثار دکتر اسلامی ندوشن

- ۵۷ تأملی در زندگی و آثار دکتر اسلامی ندوشن (کامیار عابدی)
- ۷۹ بر مرز دو فرهنگ (گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن)
- ۹۹ از زندگی بگوئیم (گفتگو با دکتر اسلامی ندوشن)
- ۱۱۴ گفته‌ها و ناگفته‌ها
- ۱۳۰ مرد باش و زندگی (شعر) (دکتر اسلامی ندوشن)
- ۱۳۲ او از مجموع حرف می‌زند (فرخ امیر فریار)
- ۱۳۴ روزها گر رفت، گو رو باک نیست (دکتر حسن انوری)
- ۱۴۱ گنجینه خرد و داد (مهدی آذر یزدی)
- ۱۴۷ نقیب نثر و طبیب فرهنگ (دکتر علی‌اکبر جعفری ندوشن)
- ۱۵۳ در نگاه یاران
- ۱۶۸ کارنامه زندگی و آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن (حسین مسرت)
- ۱۷۵ روشن‌تر از روشن (حسین مسرت)
- ۱۹۰ کتابشناسی توصیفی آثار دکتر اسلامی ندوشن (حسین مسرت)
- ۲۰۱ سیری در شهر ندوشن (رضا زینلی ندوشن)

- ۲۰۷ تصاویر
- ۲۴۳ کارنامه آثار فراهم‌آورنده

## سپاسگزاری

در «دیدار دوستانه» ای که از ۲۱ تا ۲۳ اردیبهشت در یزد ترتیب داده شده بود، فیض دیدار با عده‌ای از معاریف، دانشگاهیان، دبیران، دانشجویان و ارباب مطبوعات دست داد که نمی‌دانم با چه زبانی مراتب خوشوقتی خود را از این موهبت بر زبان آورم. از تَلَطَّف همهٔ کسانی که به نوعی در ترتیب این مجلس دست داشتند، و کسانی که وقت گذاردند و در آن حضور یافتند، و دانشورانی که از راه دور قدم رنجه کردند، آمدند و به سخنرانی پرداختند، به نوبهٔ خود کمال تشکر دارم. دیدار از دبیرستان «ایران‌شهر» که یک سالی در آن درس خوانده بودم، برایم تجدید خاطره‌ای بود. از آن دوران، تنها خاکستر یاد برجای مانده است: «یاران موافق همه از دست شدند!» و کسانی هم که هنوز بر جای اند، با گذشت عمر، در عزلت خود خزیده‌اند.

روز ۲۳ اردیبهشت دیدار دیگری از ندوشن بود، که مرا با اوج لطف مردم روبرو کرد. در آنجا نیز از دبستان کهنه‌ای که زمانی در آن دانش‌آموز بودم، دیدار کردم. پیاده در کوچه‌های خاکی به همراه انبوه جمعیت به راه افتادیم، در میان غبار خاطره‌ها.

آنچه برایم بخصوص تأثرانگیز بود، تجدید ملاقات با کسانی بود که زمانی آن‌ها را جوان و رعنا دیده بودم، چه زن و چه مرد، و اکنون پیر و خمیده‌شان می‌دیدم، افتادهٔ روزگار. نه تنها عدهٔ زیادی که آنان را در نوجوانی شناخته بودم، رفته بودند، بلکه از آن بدتر، برجای ماندگان وضعی رقت‌بارتر از رفتگان داشتند.

موافق گرد با ابر بهاران  
(حافظ)

به یاد رفتگان و دوستان

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن (۱۳۸۴/۳/۲۵)



دیاچہ



## پیش درآمد

کتابی که پیش روست هم‌زمان با برگزاری همایش دوروزه «دیدار دوستانه با دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن» در اردیبهشت ۱۳۸۴ در شهرهای یزد و ندوشن فراهم گشته و اکنون چاپ می‌شود. عنوان کتاب برگرفته از کتاب «چهار سخنگوی وجدان ایرانی» اثر دکتر اسلامی ندوشن است. در بخش نخست، چکیده سخنرانی‌ها آمده است که متن کامل آن در کتاب دیگری با عنوان: «رهاورد دیدار» به کوشش آقای دکتر یدالله جلالی پندری، استاد نامور ادبیات فارسی دانشگاه یزد فراهم آمده و در سال ۱۳۸۴ چاپ شده است. دیگر آنکه گفتار «کتابشناسی توصیفی آثار دکتر اسلامی ندوشن» به روز شده و تا مهر ۱۴۰۰ را در برمی‌گیرد و برای سودمندی بیشتر، گفتار «کارنامه زندگی و آثار دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن» از دانشنامه ایران براین کتاب افزوده شده است.

این مجموعه، پیشکشی ناقابل به محضر دکتر اسلامی ندوشن، نویسنده توانا و نام‌آشنای ایران است. مردی که با نگارش و ترجمه آثار گران‌سنگ، سهمی بزرگ در شکوفایی فرهنگ و ادب فارسی داشته و دارد.

جای آن است که از کسانی که در گردآوری و چاپ این کتاب نقشی بسزا داشتند، سپاسگزاری کنم:

آقای دکتر اسلامی ندوشن که همواره به این کمترین لطفی بی‌اندازه داشتند و اجازه تدوین این کتاب را دادند.

آقای دکتر یدالله جلالی پندری که پیوسته سمت استادی را بر بنده داشته و دارند و همواره رهنمای خوبی برایم در کارهای پژوهشی به‌ویژه ساماندهی این کتاب بودند.

استاد محمود رهبران که مانند سی سال گذشته بدون هیچ چشمداشتی و تنها از روی علاقه‌ای که به فرهنگ ایران و دکتر اسلامی ندوشن دارند، روی جلد کتاب را نوشتند. آقای محمّد حسین دهقان، دوست گرامی، همشهری و ناشر کتاب که مانند همیشه پذیرای نشر کتاب‌های ویژه یزد شدند. آقای فاران اتحاد، مدیر فرآوری نشر یزدا که کار نظارت بر چاپ کتاب بر دوش ایشان بود. آقای محمّد پیروزمند که کتاب را به زیبایی صفحه‌آرایی کردند. آقای عباسعلی نجم‌آبادی که طرح جلدی زیبا را برآن افزودند. خانم‌ها بتول خاتم‌زاده و مینا مسرت که با هنرمندی کتاب را واژه‌چینی کردند. هرچه خوبی و راستی است از این گرامیان و هرچه کمی و کاستی است از این کمترین است.

[hmasarrat@yahoo.com](mailto:hmasarrat@yahoo.com)

سانج یزد - تابستان ۱۴۰۰

حسین مسرت

## نگریستن به دکتر اسلامی از منظر ندوشن

علی غیائی ندوشن

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن نامی است آشنا برای تمام کسانی که به نوعی با مطالعه و کتاب درزمینه فرهنگ و ادبیات سروکار دارند. نثر زیبا، روان و ساده ایشان به نحوی است که خواننده نه تنها از خواندن آن خسته نمی‌شود، بلکه جدا شدن از آن کتاب را سخت می‌بیند. نگارنده این مطلب و بسیاری از دوستان که با آنان آشنا و دمخور هستم، علاقه به مطالعه و کتاب را از آثار دکتر اسلامی ندوشن آغاز کرده‌اند. این جانب برحسب وظیفه‌ای که مرا با کتابخانه‌ها و کتاب‌خوانی مرتبط می‌کند، با خود فکر می‌کردم اگر در همه کتاب‌ها و نوشته‌هایی که در کتابخانه‌ها است، آن جذابیّت و انسجام و سادگی و روانی‌ای که در آثار آقای دکتر اسلامی ندوشن است، وجود می‌داشت تا چه اندازه در فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی می‌توانستیم جلوتر گام برداریم، اما این تنها یک آرزو است و اگر چنین می‌بود ویژگی قلم دکتر اسلامی در میان سایر نویسندگان برجستگی نمی‌یافت.

زندگی دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، چه زندگی فردی و چه زندگی اجتماعی و دورانی که ایشان در آن زیسته‌اند، قابل مطالعه و بررسی است.

شروع زندگی ایشان در یک روستای دورافتاده‌ای است که تقریباً در منتهی‌الیه محدوده استان یزد و در همسایگی استان‌های اصفهان و فارس قرار دارد و هرچند غالب ویژگی‌های فرهنگی آن از فرهنگ یزد نشأت گرفته است، اما از تأثیر خصلت‌ها و ویژگی‌های فرهنگ مردمان فارس و اصفهان هم بی‌تأثیر نبوده است و حداقل این موضوع در گویش و برخی از



آداب و سنن مردم ندوشن به خوبی پیدا است. علی‌رغم سختی‌ها و مشقت‌هایی که مردم این دیار در طول تاریخ این منطقه به دلیل دورافتادگی از شهر و امکانات شهری متحمل شده‌اند، اما از این حیث که فرهنگ این منطقه کمتر دستخوش تغییرات و دگرگونی زمانه قرار گرفته است، دارای ارزش و اهمیت فراوانی است.

دکتر اسلامی در خانواده‌ای متوسط و مورد احترام مردم به دنیا می‌آید و دوران کوتاهی از تحصیل خویش را نیز در همان جا می‌گذراند و با وجود اینکه در آن دوران به دلیل سختی‌های زندگی و دوری از شهر و کمبود امکانات تحصیل و مدرسه کمتر کسی امکان ادامه تحصیل و درس خواندن را داشته است، اما ایشان با تحمل سختی‌های فراوانی که در کتاب روزها هم به آن اشاره داشته‌اند، درس را ادامه می‌دهند و با روحیه قوی و اعتماد به نفس فراوان روی پای خود می‌ایستند و با وجود فشارها و سختی‌های روزگار، که فوت پدرشان در سن نه سالگی هم مزید بر علت می‌گردد، راه تحصیل و آموختن را ادامه می‌دهند.

برای اینکه دوران زندگی اجتماعی دکتر اسلامی را هم بهتر دریابیم، به سخن خود ایشان رجوع می‌کنیم:

«من و همه هم‌سن‌های من چند سال کوچک‌تر یا چند سال بزرگ‌تر همه کسانی که این موهبت را یافته‌اند که در این برهه از زمان قرار گیرند که ما گرفته‌ایم. زیرا ما پیام‌آور قرون هستیم. نسلی که گذشته‌های دور در وجود ما به دوران جدید پیوند خورده است، سری به گذشته داشته‌ایم و سری به آینده. هیچ نسلی، نه پیش از ما و نه بعد از ما این امتیاز بی‌بدیل را نیافته است و نباید که آنچه ما دیده‌ایم ببینند. آنچه ما از اکنون دیدیم، گذشتگان ما ندیده بودند و آنچه از گذشته دیدیم، کسانی که چندی بعد از ما آماده‌اند، امکان دیدنش را نیافته‌اند.

علاوه بر این، ما بر سر راه شرق و غرب نشسته‌ایم، ملای ایرانی در این دوره خاص چه بخواهیم و چه نخواهیم، مرد دو‌مرده‌ایم، هم از شرق نصیب داریم و هم از غرب، نیمیم ز ترکستان، نیمیم ز فرغانه... و حال آنکه یک مرد مغرب‌زمینی تنها می‌تواند از غرب خود خبر داشته باشد. پس این گوینده هر که باشد و با هر درجه از اعتبار، از آنجاکه راه نشین "چهار مرز" است: شرق و غرب و قدیم و جدید، به حرف‌هایش گوش دهیم.»<sup>۱</sup>

با وجود اینکه دکتر اسلامی ندوشن، هم بخشی از تحصیلات خود را در خارج از کشور

گذرانده است و هم سفرهای فراوانی به کشورهای مختلف داشته است، اما همچنان دلبستگی به فرهنگ و تمدن ایران را از دست نداده است. تلاش های ارزنده ایشان در سال های اخیر و تأسیس ایرانسرای فردوسی و انتشار مجله هستی گوشه ای از خدمات فراموش ناشدنی ایشان در راه احیاء فرهنگ و تمدن ایران است. نگاه امیدوارانه و نویدبخش به جهان پیش روی خود و اینکه فرهنگ چیزی نیست که بتوان آن را از میان برد و به نوعی آن را ریشه کن کرد و حداقل فرهنگ و تمدن ایران با ویژگی هایی که دارد، چنین نخواهد بود، برای نسل جوان بسیار امیدبخش است و می تواند نجات بخش نسل امروز ما باشد. نسلی که در دنیای متلاطم و شهرنشین و صنعتی شده امروز بیش از هر چیز نیازمند هویت و فرهنگ اصیل و ریشه دار است.

در همین راستا با همه علم و دانش و هنری که استاد از آن بهره ور است و وی را «سلطان نثر معاصر» نامیده اند، اما سادگی، مردم داری و بی پیرایگی در رفتار و کردار و روابط اجتماعی ایشان نیز از خصلت های دیگر اخلاقی دکتر اسلامی محسوب می شود که نگارنده به عنوان یکی از هم ولایتی های دکتر اسلامی، بارها و بارها از زبان مردم ندوشن به ویژه هم سن و سال های دکتر اسلامی شنیده ام که به این خصلت های دکتر اسلامی اشاره می کنند و جالب است که چند سال پیش که ایشان برای شرکت در مجلس ختم یگانه خواهرشان، مرحومه «فاطمه اسلامی ندوشن» به یزد و صدرآباد ندوشن (مزرعه سعد) سفر کرده بودند، شنیدم که مردم باهم می گفتند: «آقای دکتر اسلامی آمده بود و چقدر این مرد متواضع و فروتن است.»

در پایان لازم می دانم بر اساس سهم کوچکی که در برگزاری مجلس «دیدار دوستانه با دکتر اسلامی ندوشن» داشته ام، به چند نکته اشاره نمایم:

الف) کتاب حاضر که با زحمات تعدادی از دوستان به ویژه استاد ارجمند جناب آقای دکتر جلالی پندری و نویسنده خوب و صمیمی جناب آقای حسین مسرت و خوشنویس ممتاز استان یزد، جناب استاد محمود رهبران به زیور طبع آراسته شده است و دربرگیرنده خلاصه مقالات استادان بزرگی است که در گروه دوستداران دکتر اسلامی قرار می گیرند، قابل ستایش است و نوشته این بنده در کنار مطالب خوب و ارزشمند و جامع استادان دیگر، حکایت زیره به کرمان بردن است، اما خوانندگان محترم توجه خواهند داشت که این مطالب از نگاه یکی از ارادتمندان و هم آبادی های آقای دکتر اسلامی بیان شده است

و در واقع از منظر ندوشن به دکتر اسلامی نگریسته‌ام.

ب) آثار دکتر اسلامی همه ارزشمند و مورد استفاده اهل علم و دانش و فرهنگ است و با وجود اینکه رشته اصلی ایشان «حقوق» بوده و خدمات و علاقه دکتر اسلامی هم به حفظ فرهنگ و ادب فارسی هم زیاد بوده است، اما آثار و نوشته‌های دکتر اسلامی از جنبه اجتماعی و جامعه‌شناسی هم حائز اهمیت است و بنده شخصاً به این بُعد از آثار دکتر اسلامی بیشتر علاقه‌مندم و خصوصاً کتاب روزهای ایشان که به ظاهر سرگذشت زندگی و حوادث روزگار دکتر اسلامی بوده است. اما روزها در واقع، سرگذشت فرهنگ و آداب و رسوم و بازتابی از زندگی و معیشت مردم بخشی از ایران بزرگ بوده است. بخصوص جلد‌های اول و دوم آنکه دربرگیرنده بخش عمده‌ای از آداب و رسوم و سخن و فرهنگ مردم ندوشن و یزد است و شاید بزرگ‌ترین خدمت آقای دکتر اسلامی به زادگاه خویش، نگارش کتاب ماندگار روزها باشد که علاقه‌مندان زیادی هم دارد.

ج) سعی نمودم از آنچه ایشان چندان خوش ندارند که درباره نیکی‌هایشان بیان شود، نگویم و ننویسم، هرچند اگر استادان و اندیشمندی که یا با ایشان هم عصر و هم نسل بوده‌اند و یا کسانی که از کلاس درس ایشان بهره و فایده برده‌اند، هرچه از دکتر اسلامی بگویند و بنویسند باز هم کم گفته‌اند و شاید نتوانند حق مطلب را ادا نمایند. بنابراین من سعی کردم علاقه خودم و مردم آبادی‌ام را بازگو کرده باشم و آن‌هم با زبان ساده و روستایی و سخن آخر اینکه: مردم ایران و به ویژه مردم یزد و ندوشن، آقای دکتر اسلامی را دوست دارند و به وجود او افتخار می‌کنند و آرزو دارند که ایشان سال‌های سال در سلامت و فراغت زندگی کنند و چشمان مردم ایران همچنان با دیدن و خواندن آثار ارزشمند و راهگشای ایشان روشنی گیرد:

دیر زیاد آن بزرگوار خداوند      جان گرامی به جانش اندر پیوند

## ادای دین به استادی فرزانه که چشمان آسمان کویر چون او ندیده است...

دکتر سید محمود الهام بخش  
رئیس دانشکده زبان و ادبیات فارسی  
دانشگاه یزد

به نام خدا

آسمان علم و ادب ایران از بامداد آفرینش تا این نیمروز عصر ارتباطات، همواره شاهد درخشش ستارگان تابناک بی شماری بوده و هست که چشم‌های جستجوگر را خیره و ذهن‌های کنجکاو را شگفت زده می‌سازند.

سهم کویر از این ستارگان کم نیست؛ بلکه به شهادت تاریخ، این بخش از پهنه میهن دوست‌داشتنی، همواره عرصه ظهور صاحبان اندیشه و بیان و جولانگاه اصطکاک خامه و بنان بوده است.

شهر یزد، این دیار دیرین و شارستان نگین آیین این افتخار را داشته که در دامن امن خود بسیاری از بزرگان علم و ادب و فرهنگ و هنر و فعالان مذهبی و اجتماعی و سیاسی را تا سر حد صدور برترین آثار و نشر اثربخش‌ترین افکار پرورش دهد و این همه مرهون تلاش و تکاپوی اصحاب فرهنگ و اولیای امر تعلیم و تربیت در این خطه از ایران عزیز است که مشعل پرفروغ دانش را همواره در مدارس کهن و آموزشگاه‌های نوین، دست‌به‌دست گردانده و شاگردان مستعد را از آینه‌داری تا مشعله‌گردانی و پرتوافشانی پرورش داده‌اند.

امروز که یزد بهشت آیین به موهبت وجود دانشگاهی جامع و پر تحرک با دیرینگی اندک

و افتخارات بسیار مجهز گردیده که بخشی از سابقه درخشان خود را دستاورد بهره‌مندی همکاران، از دانشوران و استادان پیشکسوت و چهره‌های همیشه ماندگار خدمت به فکر و فرهنگ و زبان و ادب این سامان می‌داند، نگاه حق‌شناسانه خود را با شوق و شور تمام به این استوانه‌های فضیلت و اسطوره‌های نشر علم و معرفت دوخته و در این میان، دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد در آستانه سی‌امین سال آغاز فعالیت هسته‌های اولیه خود، در تدارک مراسم دلنشینی است به بهانه هشتادمین سال تولد ادیب توانا و نویسنده خوش‌بیان و متفکر میهن‌پرست و ایران‌دوست دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن که از دبستان «ناصرخسرو» ندوشن تا دانشکده حقوق دانشگاه سوربن، راه صدساله بلکه چند صدساله را در مسیر رشد و تعالی پیموده و ره‌آورد تجربه‌ها و تأملات و دانسته‌ها و مطالعات بی‌وقفه خود را در کسوت جای پای قلمی خوش‌تراش و آگاهی‌بخش، در اختیار نسل‌ها و عصرها قرار داده است.

اینک به یاد این بزرگ‌مرد پرکار و به‌پاس‌گرامیداشت تلاش‌های مستمر او در پرورش دانشجویان ادبیات و احیای ارزش‌ها و جلوه‌های حماسی زبان شیرین پارسی و تنویر افکار همه طبقات اهل مطالعه از رهگذر تألیف و تدوین ده‌ها اثر پربار، چند چکیده و مقاله برگزیده در قالب این مجموعه به ادب دوستان و دوستان آن ادیب فرزانه تقدیم می‌گردد؛ باشد که حضرت استاد نیز پذیرای این اثر باشند که نام و یادشان زینت بخش عنوان و نقش نگین خاتمه آن است.

دکتر اسلامی که برای نگارنده نیز افتخار شاگردی ایشان در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و درس شیرین «نقد ادبی» حاصل گردیده از چهره‌های چندبُعدی و جامع جامعه دانشگاهی ماست که در کنار تبحر در دانش حقوق به ادبیات شیرین فارسی و ادبیات جهانی و نیز مسائل اجتماعی و سیاسی دل‌بستگی داشته و آثار مستقلی در هر یک از این زمینه‌ها پدید آورده و درنهایت، عشق و شور خود را بیش از هر چیز وقف خلق آثار ادبی و نوشته‌های ارزشمندی نموده که برای تشنگان شناخت دقیق و عمیق زبان و ادب و فرهنگ ایران سودمند و تعلیم‌دهنده است.

این استاد بزرگ از همان دهه ۳۰ از سده معاصر، به اصحاب قلم پیوسته درزمینه ادبیات نیز کمتر عرصه‌ای است که محلّ عرضه ذوق و تحقیق او واقع نشده باشد؛ نقد حماسه‌ها، ادبیات تطبیقی، ادبیات جهانی، فنّ نقد و نمونه‌های روشن آن، مقوله زبان و زبان‌شناسی،

ترجمه، فن نگارش، مولوی پژوهی، حافظ‌شناسی، تحقیق در شاهنامه، جامعه‌شناسی، ادبیات و شرح بخش‌هایی از متون منظوم فارسی و روزنامه‌نگاری و شعر تا مرز خلاقیت - همه و همه - حوزه‌هایی هستند که رشد و تعالی کنونی خود را وامدار پیشکسوتانی همچون دکتر اسلامی ندوشن می‌دانند.

شاید جذاب‌ترین جلوه کار او که محور و مدار مضامینی رفته بر قلمش نیز محسوب می‌شود، پرداختن به ایران و دل مشغولی‌های پیوسته به آن است و به گفته یک صاحب‌نظر، «برخلاف بسیاری از دانشمندان که شیفته یک جنبه از تاریخ ایران می‌شوند...، اسلامی ندوشن ایران را همیشه در کلیت آن می‌بیند - از سپیده دم تاریخش تا امروز - از مسائل فرهنگی و تاریخی گرفته تا ترافیک و مسائل روزمره، همه را در نظر دارد.»<sup>۱</sup> او را به حق، «دقیق‌ترین شناسنده فرهنگ و منظم‌ترین و مصمم‌ترین فریادخوان هویت ملی»<sup>۲</sup> خوانده‌اند.

دانشکده ادبیات از آن رو بر خود فرض دانسته که با ایفای سهمی هرچند کوچک به پاسداشت این استاد بلندپایه پردازد که او را پیام‌رسان آرمان بلندی می‌داند که دربرگیرنده «عزت و سربلندی ایران و کرامت و سرافرازی انسان ایرانی در جامعه عادل و سالم جهانی»<sup>۳</sup> است و به تعبیر یکی از نویسندگان، «او شخصی است که آسمان را فراموش نمی‌کند و از زمین هم غافل نیست.»<sup>۴</sup> به نظر نگارنده، تنها مقاله «ادبیات در عصر فضا» کافی است که او را سرآمد خادمان و شیفتگان ادبیات و از بزرگ‌ترین مدافعان شعر و ادب ایران و جهان قرار دهد.

چنین مردی هم در جمع شاگردان و همشهریان و دوستان خود حرف‌های بسیار برای گفتن دارد و هم آثار پرشمار و گرانبارش، نامه‌رسان مرغ بلندپرواز ذهنی آرمان خواه و همواره بیدار است که با دغدغه‌ای وقفه‌ناپذیر شیفته آن است که روح وطن‌دوستی و خدمت به انسانیت را - آن هم به شیوه‌ای هم‌سو با ارزش‌های فرهنگی ایرانی اسلامی این سامان - به معاصران خود و نیز به شاگردان و اخلافش - از خلف و ناخلف - با تأکیدی اصرارگونه منتقل کند.

۱- تک‌درخت: ۵۴۰.

۲- همان: ۵۰۲.

۳- همان: ۵۴۶.

۴- همان: ۵۹۱.

## دمی پیش دانا

دکتر غلامرضا محمدی (کویر)

رئیس شورای شعر و ادب استان یزد

هووالعلیم

از دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت عالی‌ترین کرامت پروردگار به انسان، علم و دانش است و هر که را دانش و بینش بیشتر، بها و ارزش او افزون‌تر. مکتب ما مکتب آگاهی و علم است و کسب آن فریضه‌ای است که هرکسی را بدان ترغیب کرده‌اند، نه تنها در کودکی که تا نهایت عمر و نه در نزدیکی که تا دوردست‌های زمین. آیا شکوفایی و دوران طلایی ما در قرون اولیّه جز به خاطر نوابغ و اندیشمندانی بوده است که جهان علم را محور گشتند و چون خورشید درخشیدند و باورشان این بود که:

درخت تو گربار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را بگذریم که کوتاهی‌ها و غفلت‌ها، بعدها چگونه جامعه را از قافله‌های دانش و پیشرفت بازداشت و هزار افسوس! جهان امروز، جهان آگاهی است و تواناتر کسی است که داناتر است و وظیفه نسل امروز اینکه همّت را بلند دارند و طالب چشمه خورشید درخشان گردند و در این طریق شاید اگر دیده از اشک، دریا کنند و در او غوطه‌ها خورند؛ و وظیفه ما در این میان، اینکه این نسل را با فرهنگ غنی گذشته و اسوه‌های آن در بیکرانی میدان‌های علوم آشنا کنیم. شکوفایی و رشد و تعالی و آبادانی و سروری و سالاری یک ملّت، بی شک به سطح علمی و میزان کتاب و کتاب‌خوانی و کتابخانه و اهل قلم و دانش آن ملّت بستگی دارد.

در این راستا چه زیباست سنت نکوداشت‌ها از فرهیختگان و هنرمندان و نویسندگان و چهره‌هایی که عمری را صرف دانش و هنر و بینش و آگاهی بخشیدن به جامعه کرده‌اند و امروز افتخار میهن و ملت‌اند.

اگر پیامبر اسلام ﷺ فرموده‌اند: ای ابوذر! نشستن یک ساعت برای مذاکره علمی، نزد خداوند حکیم و علیم، محبوب‌تر است از هزار شب زنده‌داری که در آن هر شب، هزار رکعت نماز گزارده شود و محبوب‌تر است از هزار غزوه. بی شک پاسداشت عالمان و معلمان و نویسندگان نیز منزلتی کمتر از آن ندارد، چراکه آن‌ها شعله جان‌فروز معرفت‌ها و روشنی‌بخش دل‌ها و وسعت‌دهنده دیدها و تجلیل از آن‌ها تجلیل از دانایی است:

ز سعی اوستاد، این جسم خاکی  
 فزون ز اختر شود از تابناکی  
 مایزدی‌ها مردمی وفاداریم و حق شناس و می‌دانیم که:  
 نگهدار فرصت، که عالم دمی است  
 دمی پیشِ دانا به از عالمی است  
 و این وفا و محبت دیرین است و شیرین که:  
 به خُردی آنچه به من یاد داد استادم  
 به غیرِ عشق برفت آنچه بود از یادم  
 و هرچند گفته‌اند:

قدر استاد، نکودانستن  
 حیف، استاد به من یاد نداد  
 هرچند می‌خواستیم به همان اندازه که می‌دانیم عزیزی را که از این دیار برخاسته و نثر  
 بلیغ و دلکش و روانش ایران را گرفته است، تجلیل کنیم، کسی که از سیاهی قلمش، سپیده  
 می‌جوشد و بهار معرفت، برگ و بار می‌دهد و از عشق، وطن، فرهنگ و تاریخ، معجون‌ی از گل  
 و نور و اندیشه می‌سازد تا چمن‌های ادب و حکمت را معطر سازد. اما ایشان با فروتنی تمام  
 نپذیرفتند؛ و به راستی از فرهیختگان روزگار ما کیست که با نام او آشنا نباشد و آثار او را چون  
 دز و گهر نبرد؟

و ما یاران و مشتاقان به او اعلام می‌داریم:

کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را  
 کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را  
 و «دیدار دوستانه»، عنوان بزم سبز وصالی شد که او شمع شبستان آن گردید و حاصل  
 گفته‌ها و نکته‌ها مجموعه‌ای شد که پیش رو دارید. این رهاورد شامل دو بخش است؛ بخش  
 اول به چکیده مقالات و سخنرانی‌ها در نقد آثار، افکار و جایگاه علمی و ادبی دکتر اسلامی



و بخش دوم به زندگی، آثار، نقطه نظرات، کتاب‌شناسی و حرف‌های دیگران درباره ایشان اختصاص دارد.

در اینجا از هیئت برگزارکننده این دیدار، آقایان: علی غیائی ندوشن، مدیر کل محترم و فرهیخته فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد؛ دکتر یدالله جلالی پندری، دکتر سید محمود الهام‌بخش، حسین مسرت، سعید افضل‌پور، دکتر امیرحسین جلالی ندوشن، عباس ملازینلی، احمد علی مهدی‌نژاد، دکتر علی‌اکبر جعفری ندوشن و نورالله علیان باید نام برد و از تلاش و ابتکار و تدارکشان تشکرها باید نمود. نیز باید از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یزد، گروه، کانون اندیشه سبز، انجمن نمایش و خانه نمایش استان یزد، تقدیر نمود که در این ره همدلی‌ها و مساعدت‌های بسیار داشته‌اند و نویسنده و پژوهشگر توانای استانمان جناب آقای حسین مسرت را باید نام ببریم که نه تنها در کل جریان نقش داشته‌اند، بلکه این مجموعه ماندگار را تدوین نموده‌اند و بر کارشان آفرین باد.

## ادب را تو باشی تهمتن، ندوشن<sup>۱</sup>

عبدالحقّ والہ

ادب را تو باشی تهمتن، ندوشن  
از آن دیدہ ام گشت روشن، ندوشن  
کہ مدّاح باشد فروتن، ندوشن  
مراقلّہ کوه مسکن، ندوشن  
ستودی تو چون کشورِ من، ندوشن  
نَبُد هیچ حرفِ تو و من، ندوشن  
دو مغزی ز بادامِ گلشن، ندوشن  
تو را سعدی و جامی از من، ندوشن  
مرا کابل و غزنہ مأمَن، ندوشن  
مرا بلخ ویرانہ مدفن، ندوشن  
ہرات است ما را بہ دامن، ندوشن  
بشوییم ہم جامہ، ہم تن، ندوشن  
نیفتیم در دام دشمن، ندوشن  
نمودہ یکی در دو میهن، ندوشن  
کہ نزدیک باشیم روشن، ندوشن

سخن را دمی روح در تن، ندوشن  
نوشتی سفرنامہ چون شعرِ رنگین  
نکردم کسی مدح، در زندگانی  
من افغانِ مغرور این کوهسارم  
ولیکن فقط، من تو را می ستایم  
در آن گہ کہ ایران بد و بود توران  
کنون نیز باشیم چون دو برادر  
تو را هست عطار و ما را سنایی  
تو را طوس و شیراز و شهرِ نساہور  
تو را ناز بر تختِ جمشید و شوش است  
اگر اصفہان، زیبِ ایران زمین است  
زداییم ہر تیرگی از روانِ ہا  
نمانیم در دل غباری کہ دیگر  
زبان، دین و آئین و فرہنگ ما را  
چرا دور مانیم از ہم کہ باری

۱- یغما، س ۲۶، ش ۳ (خرداد ۱۳۵۲): ۱۷۲. این شعر بہ مناسبت سفر دکتر اسلامی ندوشن بہ افغانستان سرودہ شدہ است.

به ایران رسان این پیامِ نخستین  
 بهشتی بسازیم از لطف و احساس  
 در آن خار را هیچ راهی نباشد  
 سیه چشم شیراز و تُرکِ سمرقند  
 کتون هم ز ایران سخن‌ها روان است  
 سفیری ادب‌پروری چون جهانگیر  
 که باشد زبان من اندر حضورش  
 ولیکن تو را هست یک نوع دیگر  
 تو پیوندزن رشته‌های گسسته  
 که این رشته‌ها راست نیروی برتر

ازین خانه دانش و فن، ندوشن  
 بروید در آن سرو و سوسن، ندوشن  
 که خار است از بهر گلخن، ندوشن  
 ز حافظ شدی مست، چون من، ندوشن  
 که ایران ادب راست مامن، ندوشن  
 شما راست اینجا مقارن، ندوشن  
 به شعر دری سخت الکن، ندوشن  
 سفارت میان دو میهن، ندوشن  
 میان دل خویش و از من، ندوشن  
 ز هر نوع فولاد و آهن، ندوشن

## ندوشن کند تا ابد افتخارا

سروده: عباس افضلی (نادم یزدی)

بهای هنر پروران را بدان  
بخوان تا مثالِ «مسرت» شوی  
ز احساس و اندیشه گنجی بیار  
که این برتر آمد ز دُر و گهر  
ز «اسلامی» و این همه شاهکار  
همای سعادت نیاید به دست  
که شیرین کند کام تو چون عسل:  
عجم زنده کردم بدین پارسی  
که تخم سخن را پراکنده ام  
که در استواری بود همچو کوه  
که باشد ندوشن از او مفتخر  
که خاموشی اش تا قیامت مباد  
که اشعار وی هم بود در کنار  
طلب می‌کنم از خدا یاری اش  
از این بیش، تاب و توانش دهد  
در چشم بگشودمت، ها درآ

بیا قدر دانشوران را بدان  
مبادا که اهلِ مضرت شوی  
به همت میان بند و از هر کنار  
به کوشش درآ تا شوی نامور  
ندوشن کند تا ابد افتخار  
به آسودگی در کناری، نشست  
ز «فردوسی» آرم به شاهد، مثل  
«بسی رنج بردم در این سال، سی  
نمیرم از این پس که من زنده ام  
زهی زین نگارنده بی ستوه  
«محمد علی»، نام این نامور  
چراغ فروزان دارالعباد  
نه آثار نثرش بود بی شمار  
من او را ستایم ز پُر کاری اش  
که قدرت به کلک و بنانش دهد  
بزرگا، ادیبا، سخن پرورا

به مژگان بگو تا کناری رود  
 نوشتارِ تو بس بود بیکران  
 خدایت توانی چنان تر دهد  
 فزون تر ز پنجاه بود گفته ات  
 قصوری نباشد به گفتارِ من  
 سرودم من این نظمِ زرین نگار  
 «بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت  
 نمایش نویس و مقاله نگار  
 بدو ده مر این هدیه را این زمان  
 ز «نادم» همین آمد ای اوستاد

مبادا به پای تو خاری رود  
 نباشد مرا شرح آن در توان  
 که سعیات قرم را فراتر نهد  
 بیانِ گهربار و دُرّ سُفته ات  
 عناوین نمی گنجد اندر سخن  
 نمانیم و ماند ز ما یادگار  
 بیاید که ما خاک باشیم و خشت»\*\*  
 که کم دیده همتای او روزگار  
 چورانِ ملخ، بر سلیمان رسان  
 همیشه دلت شاد و خرسند باد

۱- مراد، شماره کتاب های اوست که اکنون به ۶۰ عنوان رسیده است.

\*\* بیت از بوستان سعدی است.